

## بررسی ارتباط بین عملکرد سازمانی و مهارت‌های کارآفرینی مدیران محلی روستایی (مطالعه موردی دهیاران استان قزوین)

علیرضا دربان آستانه\* - استادیار دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران  
مجتبی قدیری معصوم - استاد دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران  
محمدعلی فیروزی - استادیار گروه جغرافیا، دانشگاه شهید چمران اهواز

دریافت مقاله: ۱۳۹۰/۶/۲۹ پذیرش نهایی: ۱۳۹۰/۸/۱۱

### چکیده

به اعتقاد کارشناسان، کارآفرینان موتورهای قدرتمند رشد اقتصادی، تولید ثروت و بهبوددهنده حتمی کیفیت، تعداد و تنوع فرصت‌های شغلی برای فقرا و روستاییان هستند. دهیاران به عنوان مدیران روستایی و صاحبان منابع و اختیارات درخور توجه، در صورت داشتن مهارت‌ها و روحیات کارآفرینی می‌توانند نقش مهمی در عمران و توسعه روستایی ایفا کنند. در این راستا مطالعه حاضر با هدف سنجش مهارت‌های کارآفرینی دهیاران استان قزوین و شناسایی ارتباط بین مهارت‌های کارآفرینی دهیاران مورد مطالعه با عملکرد دهیاری‌ها و خصوصیات فردی آنها به اجرا در آمد. رویکرد غالب مطالعه، پیمایشی و جامعه آماری دهیاران استان قزوین ۳۲۰ نفر بودند. داده‌های مورد نیاز با استفاده از پرسشنامه از ۱۲۵ نفر از دهیاران استان در سال ۱۳۸۹ که با استفاده از روش نمونه‌گیری طبقه‌بندی شده با انتساب ایتیم انتخاب شده بودند، گردآوری شد. برای ارزیابی روایی مقیاس از آماره آلفای کرونباخ استفاده شد که ضریب ۰/۷۷ حاکی از همسانی درونی مورد قبول گویه‌های مورد استفاده است. همچنین برای ارزیابی اعتبار مقیاس‌ها، از دیدگاه‌های گروهی از متخصصان استفاده شد. تحلیل داده‌ها در نرم‌افزار SPSS انجام شد. نتایج تحقیق نشان داد که مهارت کارآفرینی دهیاران مورد مطالعه در حد متوسط (۳/۲۴) است. همچنین بین مهارت‌های کارآفرینی و عملکرد دهیاری‌ها، سطح تحصیلات، میزان مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی، شرکت در دوره‌های آموزشی دهیاران، درآمد کارآفرین و خانواده او و نیز میزان تعامل با نهادها و سازمان‌های مرتبط ارتباط مثبت و معناداری وجود دارد.

**کلیدواژه‌ها:** کارآفرینی، مهارت کارآفرینی، دهیاران، عملکرد دهیاری، مدیریت روستایی، توسعه روستایی.

## مقدمه

به اعتقاد پیتر دراکر<sup>۱</sup>، مدیران کمیاب‌ترین و در عین حال با ارزش‌ترین سرمایه سازمان‌ها و عامل اصلی و تعیین‌کننده در جامعه هستند که نقش بنیادی و حیاتی در رشد و شکوفایی آن را بر عهده دارند. مدیران شایسته، توانایی آن را دارند که با بهره‌گیری از توانایی‌های درونی، دانش تخصصی و تجربه‌های شغلی، هدف‌های سازمان‌ها را با به کارگیری حداقل منابع به گونه‌ای برتر تحقق بخشند و اثربخشی و کارایی سازمان را بالا برند. بدون تردید مدیریت، عامل مهم شکوفایی و کلید رستگاری، رفاه و استقلال ملتهاست، لیکن شکوفایی در گرو کار گروهی و سازمانی است و به سامان رسیدن فعالیت‌های گروهی و سازمانی، نیازمند مدیریت اثربخش است. در دنیای رقابت و پیچیدگی روزافزون مهارت‌ها، توفیق سازمان‌ها بدون مهارت‌ها و شیوه‌های مطلوب مدیریت غیرممکن به نظر می‌رسد (ناظم، ۱۳۸۶، ۱۲).

با این حال توانایی هدایت موفق هر سازمان یا بنگاه، تنها از عهده مدیرانی با قابلیت‌ها و مهارت‌های تعریف‌شده بر می‌آید. یکی از قابلیت‌ها و مهارت‌های مهم مدیر در موفقیت سازمان، مهارت و روحیه کارفرینی او است. روحیات و مهارت‌هایی همچون توانایی درک و شناسایی فرصت‌های جدید و ظرفیت‌های موجود، نوآوری و خلاقیت، ریسک‌پذیری، انگیزه پیشرفت، پذیرش چالش‌ها، مسئولیت‌پذیری، تعامل مؤثر با اطرافیان، توانایی طراحی و سازماندهی، تحلیل، ترکیب و ارزشیابی و توانایی اجرای طرح‌ها.

به اعتقاد بسیاری از کارشناسان، کارآفرینان به عنوان موتور محرک اقتصادی، نقش‌های بسیار متفاوتی در جامعه ایفا می‌کنند و منشأ بسیاری از تحولات و پیشرفت‌های بشری به شمار می‌آیند. کارآفرینان با بهره‌گیری از نیروهای مولدی که در خود برای حل خلاقانه مسئله سراغ دارند با ریسک‌پذیری و تحمل بالا، قادرند با زیرکی، ظرافت و سرعت هر چه تمام‌تر، تهدیدها و تنگناهای محیطی را در جامعه به فرصت تبدیل کنند و در شرایط دشوار نظیر بیکاری بالا، کمبود ارز، تورم،

---

1. Peter Drucker

و مانند اینها، فرصت‌های جدیدی را کشف و از آنها به نفع خود و جامعه بهره‌برداری کنند. به دلیل اینکه درآمد کارآفرینان رابطه معنادار و درخور توجهی با میزان تلاش کاری آنها دارد، ساعت‌های بیشتری را با بهره‌وری بالاتر به کار کردن اختصاص می‌دهند و از این طریق در افزایش رشد اقتصادی و در نتیجه کاهش میزان بیکاری تأثیر می‌گذارند (Stel et al., 2005, 311; Carree, 2007, 279-290). به عبارتی مختصر، کارآفرینی به کارایی کل اقتصاد تأثیر می‌گذارد (بهشتی و همکاران، ۱۳۸۸، ۱۵۸).

هرچند تجربه نشان داده است که وجود چنین خصوصیتی در هر فرد می‌تواند منشأ تحولات شگرفی در اقتصاد، اشتغال و توسعه جامعه باشد، اما برخورداری مدیران سازمان‌ها و بنگاه‌های تولیدی و خدماتی از چنین مهارت‌ها و روحیاتی، به دلیل دسترسی به منابع مالی و انسانی فراوان سازمان‌ها و فرصت تصمیم‌گیری و هدایت منابع آنها، دارای اهمیت مضاعف است. در این میان «سازمان مدیریت روستایی کشور» که از سال ۱۳۷۷ براساس «قانون تأسیس دهیاری‌های خودکفا» (مصوب ۱۳۷۷) بر عهده دهیاری و دهیار قرار گرفته است، نه تنها از این اصل مستثنی نیست، بلکه به دلیل مشکلات اقتصادی و اجتماعی متعدد روستاییان از جمله بیکاری و تبعات اجتماعی آن، ضعف بنیه اقتصادی روستاییان، مهاجرت بی‌رویه به شهرها، بهره‌وری پایین نیروی کار و عوامل تولید و محرومیت ذاتی زیرساخت‌های روستایی (هرندی و محسن‌خانی، ۱۳۸۶، ۱؛ مرسلی، ۱۳۸۵، ۷۸، قدیری معصوم و همکاران، ۱۳۸۴، ۱۵۴) باید در کانون توجه قرار گیرد.

نهاد مدیریت روستایی کشور با ساختار جدیدی شامل شورای اسلامی روستایی (به عنوان نهاد تصمیم‌گیر) و دهیاری (به عنوان سازمان اجرایی به سرپرستی دهیار) است و براساس قانون، دهیار به عنوان مدیر اجرایی روستا از سوی شورای اسلامی روستا به مدت چهار سال انتخاب می‌شود (مهدوی و نجفی‌کانی، ۱۳۸۴، ۲۱). براساس آمار تا پایان سال ۱۳۸۹ در ۲۴۰۰۰ روستای کشور با جمعیت تحت پوشش حدود ۱۸ میلیون نفر، نهاد دهیاری به مدیریت دهیار راه‌اندازی و تجهیز شده است (معاونت امور دهیاری‌ها، ۱۳۸۹، ۱).

قانون‌گذار ضمن معرفی ۴۸ بند وظیفه‌عمرانی و خدماتی برای دهیاری، به منظور اجرای

وظایف محول شده، منابع درآمدی متعددی از محل قانون مالیات بر ارزش افزوده، قوانین سنواتی بودجه کل کشور، کمک‌های دولتی و مردمی (موضوع بند ۱۳ اساسنامه، تشکیلات و سازمان دهیاری‌ها مصوب ۱۳۸۰) برای دهیاری در نظر گرفته است که براساس آمار سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور تنها در سال ۱۳۸۸ حدود ۳۰۰۰ میلیارد ریال به حساب دهیاری‌های کشور واریز شده است. این اعتبار تنها از محل اعتبارات قانون مالیات بر ارزش افزوده است و پیش‌بینی می‌شود منابع درآمدی دهیارها از محل درآمدهای دیگر نیز حدود ۵۰ درصد اعتبارات مذکور باشد. علاوه بر آن تجهیز دهیاری‌ها به ساختمان اداری، ماشین‌آلات عمرانی و خدماتی مانند خودرو و کامیون‌های جمع‌آوری زباله، بکهولودر، خودروهای آتش‌نشانی، تراکتور و مانند اینها طی ۸ سال گذشته در دستور کار قرار گرفته است (همان، ۵). نتایج این مطالعه نیز حاکی بهره‌مندی حداقل ۳۰ درصد دهیاری‌ها از ماشین‌آلات مذکور است. علاوه بر آن اختیارات متعددی به دهیاری‌ها برای پیشنهاد وضع و وصول عوارض محلی (موضوع ماده ۳۷ آیین‌نامه مالی دهیاری‌ها)، تشکیل تعاونی‌های چندمنظوره، بهره‌برداری از منابع طبیعی و معادن، اجرا و کسب درآمد از محل پروژه‌های عمرانی و خدماتی سایر دستگاه‌های اجرایی (قانون بودجه سال ۱۳۸۹ و تلقی دهیاری‌ها به عنوان دستگاه‌های اجرایی) و ضرورت همکاری کلیه دستگاه‌های اجرایی با دهیاری‌ها به دلیل اینکه تحت پوشش استانداری‌ها قرار دارند، داده شده است. به عبارت دیگر به تدریج با تجهیز و تخصیص منابع اعتباری مختلف به دهیاری‌ها و اختیارات مهمی که در قوانین و مصوبات مختلف به آنها داده شده است، به صورت بالقوه این نهاد می‌تواند موتور و نیروی محرکه توسعه و عمران روستایی باشد (ایمانی و پوررجب، ۱۳۸۸، ۳۱).

با توجه به فرصت ایده‌آل ایجادشده، چه کسی و با چه خصوصیات بهترین گزینه مدیریت دهیاری است؟ با توجه به شناختی که از خصوصیات افراد کارآفرین وجود دارد، آیا دهیاران با مهارت‌های کارآفرینی بالاتر، عملکرد بهتری در اداره امور دارند؟ در صورت پاسخ مثبت و با اینکه دهیاران از سوی شوراهای اسلامی روستایی انتخاب می‌شوند، دهیاران کارآفرین دارای چه مشخصات فردی و شخصیتی هستند تا به استناد آن بتوان پیشنهاد‌های کاربردی به

شوراهای اسلامی روستایی برای انتخاب دهیارانی با مهارت‌های کارآفرینی بالاتر معرفی کرد؟ با توجه به موارد مذکور این مطالعه در صدد پاسخ به سؤالات زیر است:

۱. مهارت‌های کارآفرینی دهیاران مورد مطالعه در چه سطحی است؟
۲. چه ارتباطی بین مهارت کارآفرینی دهیاران و عملکرد نهاد دهیاری وجود دارد؟
۳. آیا بین خصوصیات فردی دهیاران و مهارت‌های کارآفرینی آنها ارتباطی وجود دارد؟

## مبانی نظری کارآفرینی

### مفهوم کارآفرینی

امروزه کارآفرین و کارآفرینی<sup>۱</sup> موضوع مطالعه رشته‌های مختلف آکادمیک محسوب می‌شود و تعاریف متعددی از سوی صاحب‌نظران برای آن ارائه شده است که با وجود به‌کارگیری ادبیات متفاوت، دارای تشابهات مفهومی زیادی است. شومپتر<sup>۲</sup> کارآفرین را فردی خالق تغییر و پویایی می‌داند که با فشار وارد بر بازارها، آنها را به سوی عدم توازن سوق می‌دهد. در حالی که نایت<sup>۳</sup> کارآفرینان را مدیران ابهام برمی‌شمارد که اعمال و پیش‌بینی‌های‌شان برای تغییر بازارها در شرایط بحران و کمبود اطلاعات استوار است (ایمانی و پوررجب، ۱۳۸۸، ۲۳). هاول<sup>۴</sup> کارآفرینان را بنیان‌گذاران شرکت‌های جدیدی می‌داند که نقش مهمی در مالکیت کسب‌وکارها دارند و مایل‌اند کسب‌وکارها را به فراتر از مرزهای خوداشتغالی سوق دهند (Forster, 2006, 30). بای‌گریو<sup>۵</sup> کارآفرین را فردی می‌داند که مخاطره‌های فعالیت اقتصادی را سازماندهی، اداره، تقبل و تعهد می‌کند، و در عین حال کسی است که فرصتی را در می‌یابد و برای پیگیری آن،

---

1. Entrepreneurship

2. Schumpeter

3. Knight

4. Howell

5. Bygrave

یک سازمان را راه‌اندازی می‌کند (بای‌گریو، ۱۹۹۴، ۲۵). کرزنر<sup>۱</sup> معتقد است که مشکل اصلی هر جامعه ناشی از عدم درک فرصت‌هاست و کارآفرینی آگاهی از فرصت‌های سودآور و کشف‌نشده است (Sandeep, 2007, 163).

به اعتقاد پورداریانی نیز، کارآفرینی فرآیند ابتکار، نوآوری و ایجاد کسب‌وکارهای جدید در شرایط مخاطره‌آمیز از طریق کشف فرصت‌ها و بهره‌گیری از منابع است. کارآفرینی تبدیل ایده نو به محصول یا خدمات است که از نتایج آن می‌توان به افزایش بهره‌وری، ایجاد ثروت، رفاه و اشتغال‌زایی اشاره کرد. کرزنر کارآفرینی را آگاهی از فرصت‌های سودآور کشف‌نشده تعریف می‌کند و به اعتقاد دراکر کارآفرین کسی است که فعالیت اقتصادی کوچک و جدیدی را با سرمایه خود شروع کند (پورداریانی، ۱۳۸۲، ۴۲).

بخش وسیعی از مطالعات صورت‌گرفته در حوزه‌های اقتصاد، روان‌شناسی، جامعه‌شناسی و سایر رشته‌ها بر تعریف معنی کارآفرینی و کارآفرین متمرکز شده‌اند. با این حال درک کارآفرینی روستایی و عوامل مؤثر بر آن به دلیل برخی عوامل برخاسته از ماهیت روستا و زندگی روستایی به عنوان محیط کارآفرینی، مشکل‌تر است. پترین کارآفرینی روستایی را در سه گزاره زیر تعریف می‌کند (رضوانی و نجارزاده، ۱۳۸۷، ۱۶۵):

۱. نیرویی که سایر منابع را برای پاسخ‌گویی به تقاضاهای بی‌پاسخ در بازار بسیج می‌کند؛
۲. توانایی خلق و ایجاد چیزی از هیچ؛
۳. فرایند خلق ارزش به وسیله امتزاج مجموعه‌ی واحدی از منابع در راستای بهره‌گیری از یک فرصت.

اما در مجموع می‌توان کارآفرین روستایی را فردی مستقل، ریسک‌پذیر، دارای اعتماد به نفس بالا، خوش‌بین، پرتلاش و نوآور معرفی کرد. ضمن اینکه کارآفرینی در مفهوم روستایی

---

1. Kirzner

خود بر واقعیت ایجاد شغل در نواحی روستایی متمرکز است. همچنین کارآفرینی روستایی به عنوان عامل ایجاد سازمان جدید در معرفی محصولات جدید، استفاده بهینه یا ایجاد بازارهای جدید، بهره‌برداری از فناوری‌های جدید در محیط روستایی نیز شناخته شده است. این تعریف دارای عناصری از نوآوری و خلاقیت است و می‌تواند جامعه‌ای را که در آن فعالیت‌های کارآفرینی صورت می‌گیرد تحت تأثیر قرار دهد. با این حال ویژگی کارآفرین روستایی موقعیت و محل سکونت اوست و مهم‌ترین تفاوت او با کارآفرین شهری در این است که او در روستا زندگی می‌کند و فعالیت‌های کارآفرینی‌اش تحت تأثیر محیط و فرآیندهای کارآفرینی روستایی است (Ray, 1999, 260).

### انواع کارآفرینی‌ها

مروری بر نوشتاری کارآفرینی مؤید این مطلب است که کارآفرینی در سه حوزه کارآفرینی مستقل (کارآفرین شخصی)<sup>۱</sup>، کارآفرینی درون‌سازمانی (کارآفرین سازمانی)<sup>۲</sup> و کارآفرینی برون‌سازمانی (کارآفرینی سازمانی)<sup>۳</sup> قابل بررسی است (مدهوش و بخشی، ۱۳۸۲، ۱۶۴؛ کاظمی و مهارتی، ۱۳۸۶، ۱۶۹؛ عبدالملکی و همکاران، ۱۱۰).

کارآفرینی مستقل فرآیندی است که کارآفرین طی می‌کند تا فعالیت کارآفرینانه‌ای را به طور مستقل به ثمر برساند. ابتدا اعتقاد بر این بود که کارآفرین‌ها خود صاحب و مالک کارشان هستند. اما به تدریج مفاهیم کارآفرینی‌های مرتبط با سازمان نیز شکل گرفتند (کاظمی و مهارتی، ۱۳۸۶، ۱۶۹).

کارآفرینی درون‌سازمانی، فرآیندی است که کارآفرین طی می‌کند تا فعالیت کارآفرینانه‌ای را در سازمان ایجاد کند. در این سازمان، کارآفرین سازمانی فردی است که زیر چتر سازمان یا

- 
1. Individual Entrepreneurs - Independent Entrepreneurship
  2. Entrepreneurship or Intrapreneur
  3. Entrepreneurial Organization or Corporate Entrepreneurship

شرکت، محصولات، فعالیت‌ها و فناوری جدید را کشف می‌کند و به بهره‌برداری می‌رساند (مدهوش و بخشی، ۱۳۸۲، ۱۶۴).

کارآفرینی برون‌سازمانی یا کارآفرینی سازمانی فرایندی است که سازمان طی می‌کند تا همه کارکنان بتوانند در نقش کارآفرین انجام وظیفه کنند و تمام فعالیت‌های کارآفرینانه فردی و گروهی به طور مستمر، سریع و راحت در سازمان یا شرکت به ثمر برسد. همچنین محرک‌ها، مشوق‌ها و آموزش‌های لازم برای اجرای فعالیت‌های کارآفرینانه را فراهم می‌کند (Kuratko & Hodegett, 2001, 112).

نظر به اینکه در این مطالعه مهارت‌های کارآفرینانه دهیاران به عنوان مدیران محلی مورد ارزیابی قرار می‌گیرند، لذا مبانی نظری مطالعه در حوزه کارآفرینی درون‌سازمانی یا کارآفرین سازمانی قابل طبقه‌بندی است.

### فرایندهای کارآفرینی روستایی

برخلاف رویکرد روان‌شناختی که بر ویژگی‌های شخصیتی فرد تأکید دارد، رویکرد رفتاری بر فعالیت‌های کارآفرین متمرکز می‌شود. در این دیدگاه، پدیده کارآفرینی به مثابه فرآیند انگاشته می‌شود (ناظم، ۱۳۸۶، ۱۴). هرچند فرایندهای کارآفرینی فارغ از مکان دارای تشابهات بسیاری است، اما مکان به عنوان عاملی تأثیرگذار در شکل‌گیری محیط اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بر نوع فرایندهای کارآفرینی نیز تأثیرگذار است.

استتوفولو و همکاران (Stathopoulou et al., 2004, 413) فرایندهای کارآفرینی روستایی را با توجه به ماهیت محیط روستا شامل سه مرحله درک یا ایجاد یک فرصت اقتصادی؛ عملیاتی کردن فرصت اقتصادی؛ و پیامدها و نتایج کارآفرینی می‌داند که در قالب شکل ۱ نشان داده شده است. مرحله اول که تحت عنوان «درک یا ایجاد یک فرصت اقتصادی» است، اشاره به فعالیت‌های کارآفرین برای تشخیص یا ایجاد فرصت اقتصادی جدید دارد. مرحله دوم یا «تأسیس کسب‌وکار»، تصمیم کارآفرین را برای اجرا و تحقق فرصت حاصل‌شده و واقعیت‌بخشی به آن را به تصویر می‌کشد. در مرحله سوم کارآفرین به ارزشیابی و ارزیابی عملکرد کسب‌وکار



جدید نسبت به اهداف و انتظارات خود می‌پردازد (Greenbank, 2001, 110).

اجرای موفقیت‌آمیز هر یک از مراحل سه‌گانه تا حد زیادی به ویژگی‌های کارآفرین و محیط فیزیکی، اجتماعی و اقتصادی که در آن فرایند کارآفرینی صورت می‌گیرد، دارد. البته این فرآیند به روشی پویا و تعاملی بین ویژگی‌های کارآفرین و محیط بیرونی او اتفاق می‌افتد. خصوصیات اصلی کارآفرین در هریک از مراحل سه‌گانه در تعامل تنگاتنگی با محیط کارآفرینی روستا قرار دارد. توانایی و شم شناخت یا ایجاد یک فرصت اقتصادی که احتمالاً منجر به شروع فعالیت کارآفرینی می‌شود، بسیار تحت تأثیر سرمایه متراکم انسانی کارآفرین قرار دارد. صفات شخصیتی، شبکه‌های اجتماعی، دانش قبلی، همچنین سرمایه اجتماعی و فرهنگی کارآفرینی جامعه از دیگر شرایط لازم برای شناسایی فرصت‌های با ارزش به شمار می‌آید (Stathopoulou et al., 2004, 414).

در صورتی که کارآفرین احساس کند فرصت شناسایی شده ارزش عملیاتی کردن و تحقق‌پذیری دارد نیازمند ویژگی‌های فردی جدیدی است که متناسب با نوع فرصت جدید می‌تواند متفاوت باشد. در این مرحله کارآفرین ممکن است هریک از این ویژگی‌ها را به نمایش بگذارد: ریسک‌پذیری، نوآوری و خلاقیت بالا، ویژگی‌های رهبری صنعتی، توانایی همکاری، هماهنگی و به کارگیری عوامل تولید، توانایی تأمین سرمایه مالی و اعتباری، قدرت تصمیم‌گیری سریع، توانایی مدیریت و نظارت، توانایی تخصیص منابع به مصارف مورد نیاز و توانایی مقاطعه‌کاری.

مهم‌ترین خصوصیات کارآفرینی در مرحله سوم، ویژگی‌های سرمایه انسانی کارآفرین روستایی است که به او اجازه نظارت، ارزیابی و ارزشیابی عملکرد کسب‌وکار جدیدش را نسبت به هدف اولیه می‌دهد. این مرحله فاز متفاوتی از کارآفرینی است که ممکن است شخصیت و روابط فردی کارآفرین طی فرآیند یادگیری تغییر کند. خصوصیات فردی کارآفرین به او اجازه خواهد داد تا به عملکرد کسب‌وکار جدید واکنش مناسب نشان دهد و در صورت نیاز در اهداف و استراتژی‌ها و تکنیک‌های خود به صورت مستمر بازنگری کند.



شکل ۱. فرآیندهای کارآفرینی روستایی

منبع: Stathopoulou et al., 2004, 413

## مهارت‌های کارآفرینی

در دو دهه اخیر دوره‌های آموزشی با هدف تدریس مهارت‌های کارآفرینی رایج شده است و رشد فزاینده تعداد این دوره‌ها که به وسیله آموزشگاه‌ها، دانشگاه‌ها و مؤسسات علمی برگزار می‌شود، نشان‌دهنده رشد بی‌سابقه تقاضا برای آموزش کارآفرینی است (Pyysiainen et al., 2006, 22). با این حال برخی معتقدند که رشد تقاضا در این زمینه منعکس‌کننده اشکال جدید سرمایه‌داری و واکنش سریع به مشکلات اقتصادی جامعه است (Anderson & Jack, 2000, 91). در این خصوص گیب (Gibb, 1996, 312) نیز معتقد است که هدف اصلی آموزش کارآفرینی، توسعه رفتارها، مهارت‌ها و بینش متهورانه است.

طی سال‌های گذشته مطالعات متعددی برای پیدا کردن مهارت‌ها و ویژگی‌های شخصیتی مدیران کارآفرین صورت پذیرفته است. نتایج حاکی از آن است که الگویی کلی برای این ویژگی‌ها وجود ندارد. با این حال، مجموعه‌ای از صفات و ویژگی‌های مؤثر بر موفقیت و عدم موفقیت کارآفرینان، در پژوهش‌های مکتوب وجود دارد که از آن جمله می‌توان به ویژگی‌های شخصیتی زیر اشاره کرد:

تحمل ریسک، فرصت‌شناسی، از خود گذشتگی، میل به پیشرفت و توفیق‌طلبی (شریف زاده و زمانی، ۱۳۸۵)، هدفگرا بودن، مثبت‌اندیشی، آینده‌نگر بودن (موحدی و همکاران، ۱۳۸۹، ۶۶)، رقابت‌مندی، قدرت تحمل (شریف‌زاده و زمانی، ۱۳۸۵، ۵)، کنترل محیط بیرون، انگیزش، مصمم بودن، اعتماد به نفس داشتن، نتیجه‌گرا بودن، خلاقیت و نوآوری، قدرت‌طلبی و استقلال‌طلبی (موحدی و همکاران، ۱۳۸۹، ۶۶)، توان تصمیم‌گیری، قدرت برنامه‌ریزی و پیش‌بینی آینده، حرکت در مسیرهای یک‌طرفه، تجارب کاری متنوع، ایجاد وحدت میان اضداد، تحمل ابهام، استفاده از سبک‌های مختلف فکری، بهره‌گیری از منبع شهود در تصمیم‌گیری، چالش‌خواهی (تحریک ذهنی)، عشق به خویشتن، تحمل شکست و ناکامی، توانایی به تعویق انداختن لذت‌ها و کامیابی‌ها برای به دست آوردن لذت‌ها و کامیابی‌های بالاتر، بهره‌مندی از هوش هیجانی بالا، خودپنداری قوی، داشتن باورهای خود کارآمدی قوی (مهرعلی‌زاده و سجادی، ۱۳۸۸، ۴۵).

به اعتقاد اسمیلور، مهارت‌های کارآفرینی شامل آن دسته از فعالیت‌ها یا دانش عملیاتی است که برای استقرار و اداره یک کسب‌وکار اقتصادی موفق مورد نیاز است (Smilor, 1997, 342). چنین دانشی می‌تواند شامل علوم مالی، حسابداری، بازاریابی یا تولید باشد. دکین و فرل مهم‌ترین «مهارت‌های کارآفرینی» را در سه گروه مهارت‌های فردی، بین فردی و فرآیندی به شرح زیر طبقه‌بندی می‌کنند (Deakins and Freel, 2003, 75):

۱- مهارت‌های فردی: شامل نوآوری، ابتکار، ریسک‌پذیری، توانایی بررسی موضوعات ناشناخته، پذیرش چالش‌ها، مسئولیت‌پذیری، جست‌وجوی فرصت‌ها در تغییر و تحولات.

۲- مهارت‌های بین فردی: شامل تعامل مؤثر با دیگران، برقرار کردن ارتباط مؤثر، مذاکره کردن، تأثیرگذاری و تظاهرات رهبری.

۳- مهارت‌های فرآیندی: شامل توانایی طراحی و سازماندهی، توانایی تحلیل، ترکیب و ارزشیابی و توانایی اجرای طرح‌ها.

اما طبقه‌بندی دیگری نیز از مهارت‌های کارآفرینی وجود دارد که اغلب صاحب‌نظران حوزه کارآفرینی بر روی آن اتفاق نظر دارند. در این طبقه‌بندی مهارت‌های کارآفرینی را در قالب مهارت‌های سه‌گانه شخصی، فنی و مدیریتی به شرح زیر تقسیم‌بندی می‌کنند:

۱- مهارت‌های شخصی که دربرگیرنده مواردی از قبیل کنترل و نظم درونی، ریسک‌پذیری، نوآوری، توانایی اداره‌ی تغییر، تغییرمحوری، پافشاری، مقاومت و پشتکار و رهبری و دوراندیشی است (پورداریانی، ۱۳۸۲؛ صمدآقایی ۱۳۷۷؛ هیگینز، ۱۳۸۱؛ نظری، ۱۳۸۲ و برکر ۱۳۸۰؛ عبدالملکی و همکاران، ۱۳۸۷).

۲- مهارت‌های مدیریتی که عبارت‌اند از: برنامه‌ریزی و تعیین اهداف، تصمیم‌گیری، روابط انسانی، بازاریابی، مهارت‌های مالی و حسابداری مدیریت، کنترل، مذاکره و مدیریت توسعه (هیسریچ و پیترز ۱۳۸۳؛ پورداریانی و عزیززی ۱۳۸۳؛ پیرنیا ۱۳۸۲؛ عبدالملکی و همکاران، ۱۳۸۷).

۳- مهارت‌های فنی که شامل اینهاست: مهارت‌های نوشتاری، ارتباطات شفاهی یا ارتباطات کلامی، نظارت یا ارزیابی محیط، مدیریت کسب‌وکار، فناوری، مهارت میان فردی، مهارت شنیداری، توانایی سازمان‌دهی، ایجاد شبکه‌های مدیریت (مدیریت مشارکتی)، مربی‌گری، بازیگر و ایفاکننده نقش در تیم یا مهارت‌های تیم‌سازی (Morrison, 2000)، یداللهی فارسی ۱۳۸۳، عبدالملکی و همکاران، ۱۳۸۷).

### بررسی مطالعات انجام‌شده

طی سال‌های اخیر مطالعات متعددی در حوزه کارآفرینی در ایران و جهان صورت پذیرفته است. این مطالعات با رویکردهای متعددی انجام شده است که از آن جمله می‌توان به ارزیابی

روحیه و پتانسیل کارآفرینی و رواسازی مقیاس‌های سنجش کارآفرینی، عوامل تأثیرگذار بر شکل‌گیری پتانسیل کارآفرینی و نقش کارآفرینی در عملکرد سازمانی و توسعه پایدار اشاره کرد. در مقاله حاضر نیز ارتباط بین مهارت کارآفرینی دهیاران و عملکرد سازمانی و خصوصیات فردی آنها مورد بررسی قرار می‌گیرد. هرچند مطالعات کارآفرینی در حوزه مدیریت روستایی و دهیاری‌ها محدود بوده اما در مجموع مطالعات زیادی در حوزه عام کارآفرینی به‌خصوص در دهه اخیر در کشور صورت گرفته است که در ادامه به برخی از آنها متناسب با موضوع تحقیق اشاره می‌شود:

ایمانی و پوررجب (۱۳۸۸) در مطالعه‌ای با نام «سنجش و تحلیل ویژگی‌های کارآفرینی دهیاران با تأکید بر عوامل زمینه‌ای مؤثر بر آن» به بررسی ویژگی‌های کارآفرینی و تأثیر عوامل زمینه‌ای آن بر ۷۶ نفر از دهیاران روستاهای شهرستان میاندوآب پرداختند. نتایج تحقیق آنها نشان داد که در پنج ویژگی، نمره دهیاران بیش از متوسط نظری (۲/۵) و با شدت قوی و در سه ویژگی دارای ضعف است، و در مجموع دهیاران مورد مطالعه دارای میانگین کارآفرینی بالاتر از حد متوسط‌اند. همچنین نتایج تحلیل همبستگی دو متغیر نشان داد که متغیرهای ترکیبی سن - تحصیلات، سن - مطالعه مطبوعات، تحصیلات - تردد به شهر و تحصیلات - مطالعه مطبوعات، تأثیری بر میزان کارآفرینی دهیاران ندارند؛ لیکن ترکیب متغیری سن - تردد به شهر با کارآفرینی دهیاران دارای رابطه معناداری است.

رضوانی و نجارزاده (۱۳۸۷) در مطالعه‌ای با نام «بررسی و تحلیل زمینه‌های کارآفرینی روستاییان در فرایند توسعه نواحی روستایی» به بررسی میزان آشنایی روستاییان با زمینه‌ها و مهارت‌های کارآفرینی در دهستان برآن جنوبی شهرستان اصفهان پرداختند و نظرات ۱۵۰ نفر از افراد در سن فعالیت (۱۵ تا ۶۴ سال) را به صورت تصادفی مورد بررسی قرار دادند. نتایج تحقیق نشان داد که بیش از ۸۰ درصد افراد مورد مطالعه آشنایی کم و خیلی کمی با زمینه‌ها و مهارت‌های کارآفرینی دارند و تنها حدود ۲۰ درصد دارای آشنایی زیاد و خیلی زیاد با زمینه‌ها و مهارت‌های کارآفرینی هستند.

لاجیمی (۱۳۸۶) در مطالعه‌ای به «بررسی تأثیر اعمال کارآفرینی بر عملکرد سازمانی و مزیت رقابتی» بین ۸۵ نفر از کارآفرینان سازمانی در سطح کشور پرداخت. او برای سنجش کارآفرینی از چهار شاخص خلاقیت، تمایل به مخاطره‌پذیری، استقلال‌طلبی و بهره‌گیری از فرصت و برای سنجش عملکرد سازمانی از چهار شاخص مشتری‌مداری، منابع مالی، منابع انسانی و اثربخشی سازمانی بهره برد. نتایج مطالعه نشان داد که عوامل کارآفرینی به غیر از فرصت‌طلبی بر عملکرد سازمانی و مزیت رقابتی تأثیر معناداری دارند. نتایج مطالعات الیاسی (۱۳۸۴) و مقیمی و همکاران (۱۳۸۶) نیز به همین ترتیب حاکی از وجود ارتباط مثبت و معنادار بین کارآفرینی و عملکرد سازمانی بود.

یارایی در سال ۱۳۸۳ در مطالعه‌ای با بررسی برخی روحیات کارآفرینی در دانشجویان دانشگاه شیراز و مقایسه آن با مدیران صنایع به این نتیجه رسید که مدیران در مقایسه با دانشجویان انگیزه پیشرفت بالاتری دارند، در حالی که ریسک‌پذیری دانشجویان از مدیران صنایع بالاتر است. همچنین بین ویژگی‌های کارآفرینی دانشجویان با جنسیت، سن، محل تولد و سطح تحصیلات والدین رابطه معناداری وجود ندارد.

نتایج مطالعه کلانتری و همکاران (۱۳۸۳) با نام «میزان کارآفرینی دانش‌آموختگان در عرصه نشریات و مطبوعات» شهر تهران نشان داد، که بین کارآفرینی و دوره‌های آموزش مهارت‌های فردی، انگیزه پیشرفت، ریسک‌پذیری، نیاز به موفقیت و خلاقیت رابطه معناداری وجود دارد.

مطالعه حسینی و عزیز (۱۳۸۶) در میان دانشجویان سال آخر دانشکده کشاورزی دانشگاه تهران نشان داد که متغیرهای به کارگیری روش‌های توسعه آموزش کارآفرینی در دانشگاه، درآمد ماهیانه خانواده، سن، روحیه کارآفرینی و سطح تحصیلات پدر ۲۶ درصد از تغییرات مهارت‌های کارآفرینی دانشجویان را پیش‌بینی می‌کند. همچنین نتایج حاصل از تحلیل رگرسیون نشان داد که متغیرهای محتوای برنامه آموزشی دانشگاه و سطح تحصیلات مادر ۰/۰۵ درصد از تغییرات روحیه کارآفرینی دانشجویان را پیش‌بینی می‌کند.

جلودار و همکاران (۱۳۸۶) در مطالعه‌ای به بررسی عوامل مؤثر بر موفقیت کارآفرینی زنان روستایی شمال کشور پرداختند. نتایج مطالعه آنها نشان داد بین سطح تحصیلات پدر، مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی، بازدید از کسب‌وکار دیگران، دوره‌های آموزشی و عضویت در نهادها و تعاونی‌ها با متغیر موفقیت کارآفرینی زنان روستایی ارتباط معناداری وجود دارد.

مرادزادی و همکاران (۱۳۸۶) مطالعه‌ای را با هدف شناسایی مهم‌ترین موانع توسعه کارآفرینی در واحدهای تولیدی گلخانه‌ای در ایران انجام دادند که نتایج آن نشان داد عوامل سیاست‌گذاری، اقتصادی، پشتیبانی، آموزشی، زیرساختی و فرهنگی عمده‌ترین موانع توسعه کارآفرینی در واحدهای تولیدی گلخانه‌ای در ایران بوده‌اند. همچنین فیض‌آبادی (۱۳۸۶)، Hatten & Ruhland (1994)؛ Sackney (2001) در مطالعات خود ارتباط معناداری بین شرکت در دوره‌های آموزشی و مهارت‌های کارآفرینی مشاهده کردند و ناظم (۱۳۸۶) و انداده (۱۳۸۳) نیز در مطالعات‌شان به ارتباط معناداری بین تجربه شغلی و مهارت‌های کارآفرینی رسیدند.

دمورگر و ژو (Demurger and Xu, 2011) در سال ۲۰۰۸ در چین به منظور بررسی مهارت‌های کارآفرینی و خصوصیات فردی روستاییانی که اقدام به مهاجرت معکوس کرده بودند و مقایسه با خصوصیات مشابه جامعه روستایی، مطالعه‌ای در استان آنهویی چین انجام دادند. در این مطالعه چهار شهرستان و از هر شهرستان سه روستا و در هر روستا ۲۰ خانوار به صورت تصادفی انتخاب شدند و در مجموع با ۲۳۹ نفر مصاحبه شد. آنها در این مطالعه خصوصیات فردی سن، جنسیت، وضعیت تأهل، تحصیلات، وضعیت سرپرستی خانوار، اندازه خانواده، تعداد فرزندان محصل و شاغل و میزان زمین و درآمد آنها را با استفاده از آزمون  $t$  با سایر افراد جامعه مورد مقایسه قرار دادند. نتایج نشان داد میزان خوداشتغالی گروه مورد مطالعه در مقایسه با سایر روستاییان به طور معناداری بالاتر است. همچنین سن و تحصیلات افراد دارای مهاجرت معکوس اختلاف معناداری با سایر روستاییان دارد و دارای میانگین سنی کمتر و تحصیلات بالاتر هستند.

مولر (۲۰۰۶) در سال ۲۰۰۶ در آلمان به بررسی عوامل فردی و محیطی تأثیرگذار بر کارآفرینان خوداشتغال پرداخت. او داده‌های مورد نیاز خود را از آمارنامه بیمه اجتماعی و پندل اقتصادی-اجتماعی آلمان<sup>۱</sup> گردآوری کرد. نتایج تحقیق او نشان داد تجربه قبلی خوداشتغالی، داشتن والدین کارآفرین و خوداشتغال، تحصیلات و منابع مالی از عوامل اصلی کارآفرینی محسوب می‌شود. اما در این میان نقش تجربه قبلی و داشتن پدر و مادر کارآفرین بیشتر از تحصیلات رسمی و منابع مالی است.

موهاپاترا و همکارانش (Mohapatra et al., 2007) در سال ۲۰۰۶ در مطالعه‌ای با نام «خوداشتغالی در نواحی روستایی» چین به بررسی عوامل فردی تعیین‌کننده خوداشتغالی در نواحی روستایی چین پرداختند. آنها داده‌های مورد نیاز از ۶۰ روستا از شش استان چین، در هر روستا ۲۰ خانوار و در مجموع از ۱۱۹۹ نفر گردآوری کردند. در این مطالعه تأثیر عوامل مؤثر با استفاده از مدل‌های رگرسیونی برآورد شد. نتایج تحقیق نشان داد که جنسیت مرد، میزان تحصیلات، کسب دوره‌های آموزش مهارت، تعداد نیروی کار فعال در خانوار و خوداشتغالی والدین تأثیر مثبت و سن افراد تأثیر منفی بر خوداشتغالی افراد مورد مطالعه داشته است. با عنایت به هدف و گزاره‌های تحقیق، مبانی نظری و نتایج مطالعات صورت‌گرفته مدل مفهومی تحقیق به صورت شکل ۲ ارائه گردید.





شکل ۲. مدل مفهومی تحقیق

## روش‌شناسی تحقیق

در تحقیقات حوزه کارآفرینی سه رویکرد اساسی در قالب رویکردهای روانشناختی و بررسی ویژگی‌های فردی مرتبط با کارآفرینی، رویکردهای اجتماعی و نقش و تعاملات کارآفرینان در اجتماع و در نهایت رویکردهای اقتصادی که به بررسی تأثیرات اقتصادی کارآفرینی در جامعه

می‌پردازد مطرح است (قاسمی و اسدی، ۱۳۸۹، ۱۴). تحقیق حاضر در قالب رویکرد نخست به بررسی می‌پردازد.

تحقیق حاضر از نوع تحقیقات کاربردی است که با استفاده از روش پیمایشی انجام گرفته است. جامعه آماری تحقیق حاضر شامل کلیه دهیاری‌های استان قزوین در سال ۱۳۸۹ است که در سال مالی ۱۳۸۸ مشغول به فعالیت بوده‌اند. براساس آمار استانداری قزوین، این استان در سال مورد نظر ۳۲۰ دهیاری داشته است (استانداری قزوین، ۱۳۸۹، ۱). برای برآورد و تعیین حجم نمونه، بعد از برآورد واریانس صفت برجسته تحقیق در مطالعه مقدماتی (مهارت کارآفرینی حدود ۱۵ پرسشنامه)، از آماره کوکران استفاده شد و حجم نمونه به صورت زیر حدود ۱۱۶ نفر محاسبه شد که برای افزایش اعتبار نتایج، حجم جامعه آماری به ۱۲۵ افزایش یافت. برای نمونه‌گیری و انتخاب دهیاران از روش نمونه‌گیری طبقه‌بندی‌شده با انتساب ایتیمم بهره برده شد که به منظور نمونه‌گیری، از فهرست دهیاری‌های راه‌اندازی‌شده سال مذکور استفاده شد.

متغیرهای این تحقیق شامل دو گروه متغیرهای مستقل شامل شاخص عملکرد دهیاری‌ها و متغیرهای خصوصیات فردی مانند سن، تحصیلات، سطح درآمد، شرکت در دوره‌های آموزشی، درآمد خانواده، جنسیت کارآفرین، مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی و متغیر وابسته - سطح مهارت کارآفرینی دهیاران مورد مطالعه است.

ابزار تحقیق پرسشنامه‌ای با سؤالات بسته، اغلب از نوع مقیاس پنج گزینه‌ای لیکرت بود که از چهار قسمت تشکیل می‌شد. قسمت اول شامل پرسش‌های مربوط به ویژگی‌های فردی پاسخگو از قبیل جنس، سن، محل تولد و مانند اینها بود. در قسمت دوم به منظور بررسی مهارت کارآفرینی پاسخگویان ۳۱ پرسش مطرح شد. قسمت سوم شامل پرسش‌های سنجش عملکرد دهیاری بود.

به منظور سنجش میزان مهارت‌های کارآفرینی، پرسش‌نامه‌ای شامل ۳۳ گویه مبتنی بر مبانی نظری و تجربی که در مقاله به آن اشاره شد، شامل مهارت‌های سه‌گانه فردی، مدیریتی و فنی کارآفرینی دهیاران در قالب طیف لیکرت تدوین و طراحی شد. این گویه‌ها به صورت

جمله‌هایی بودند که به دنبال هر جمله پنج گزینه ارائه شدند. به این گزینه‌ها بر حسب اینکه میزان موافقت آنها از کاملاً موافق تا کاملاً مخالف یا عکس آن باشد، نمره ۱ تا ۵ تعلق گرفت. نمره‌های بالا نشان‌دهنده کارآفرینی بالا و نمره‌های پایین بیانگر مهارت کارآفرینی پایین بودند.

جدول ۱. ابعاد، مؤلفه‌ها و شاخص‌های سنجش مهارت‌های کارآفرینی دهیاران

بعد مهارت‌های فنی		بعد مهارت‌های مدیریتی		بعد مهارت‌های شخصی	
تعداد شاخص	تعداد شاخص	تعداد شاخص	مؤلفه‌ها	تعداد شاخص	مؤلفه‌ها
۱	ارتباطات شفاهی	۲	توان برنامه‌ریزی	۲	کنترل و نظم درونی
۱	ارتباط کلامی	۱	توان سازماندهی	۱	ریسک‌پذیری
۲	مدیریت کسب‌وکار	۳	مهارت‌های مالی و حسابداری	۲	انگیزه پیشرفت
۱	مهارت‌های شنیداری	۲	مهارت تصمیم‌گیری	۲	رهبری
۲	مدیریت مشارکتی	۲	مهارت ارتباط با دستگاه‌های ذی‌ربط	۲	خلایت و نوآوری
۲	تسلط به فناوری	۱	مهارت‌های حقوقی و قانونی	۲	انعطاف‌پذیری
				۲	آینده‌نگری

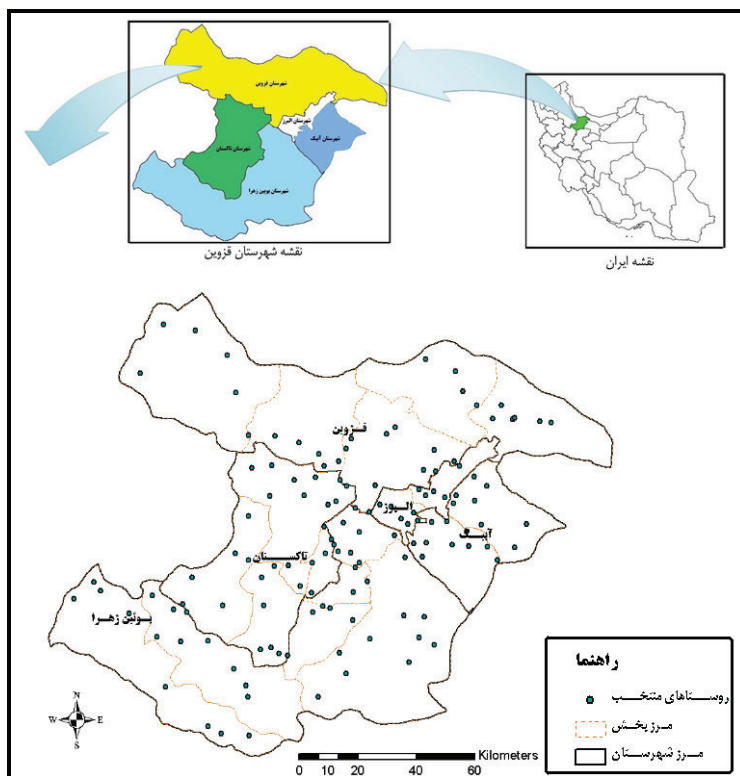
به منظور سنجش عملکرد دهیاری‌ها از ۴۵ شاخص در دو بعد مدیریتی (شامل شش مؤلفه مدیریت راهبردی، مدیریت اداری- پرسنلی، مدیریت منابع مالی، تعاملات اجتماعی و اداری، سلامت اداری، جلب مشارکت مردمی در اجرای پروژه‌های عمرانی) و بعد عمرانی و خدماتی (شامل هفت مؤلفه هدایت و دفع آب‌های سطحی روستا، بهبود عبور و مرور روستایی، ایجاد تأسیسات حفاظتی روستاها، بهبود محیط روستایی، ایجاد اماکن و فضاهای ورزشی، فرهنگی، گردشگری، ایجاد تأسیسات و تسهیلات روستایی و خدمات روستایی) استفاده شد. ابعاد، مؤلفه‌ها و شاخص‌های سنجش عملکرد براساس مطالعات پیشین و دستورالعمل ارزیابی عملکرد دهیاری‌ها که از سوی سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور ابلاغ شده است،

(سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور، ۱۳۸۵) تدوین شد و پس از دریافت نظر کارشناسان و مدیران روستایی استانداری قزوین و اعمال برخی اصلاحات نهایی گردید.

جدول ۲. ابعاد، مؤلفه‌ها و تعداد شاخص‌های سنجش عملکرد دهیاری‌های مورد مطالعه

بعد عمرانی - خدماتی		بعد مدیریتی	
تعداد شاخص	مؤلفه‌ها	تعداد شاخص	مؤلفه‌ها
۲	هدایت و دفع آب‌های سطحی روستا	۴	مدیریت راهبردی
۳	بهبود عبور و مرور روستایی	۷	مدیریت اداری - پرسنلی
۲	ایجاد تأسیسات حفاظتی روستاها	۴	مدیریت منابع مالی
۳	بهبود محیط روستایی	۴	تعاملات اجتماعی و اداری
۶	ایجاد اماکن و فضاهای ورزشی، فرهنگی، گردشگری	۳	سلامت اداری
۴	ایجاد تأسیسات و تسهیلات روستایی	۱	جلب کمک‌های مردمی در اجرای پروژه‌های عمرانی
۲	خدمات روستایی		

بررسی‌هایی که به منظور ارزیابی روایی و اعتبار مقیاس‌ها صورت گرفت، اعتبار و روایی آنها را مورد تأیید قرار دادند. برای ارزیابی اعتبار مقیاس‌ها پس از تنظیم پرسشنامه مقدماتی و انجام ویرایش‌های اولیه، از نظر گروهی از متخصصان استفاده شد که در این مرحله ۴ گویه از مجموعه پرسش‌ها حذف شد. همچنین برای ارزیابی روایی مقیاس از آماره آلفای کرونباخ استفاده شد که ضریب ۰/۷۷ حاکی از هم‌سانی درونی مورد قبول گویه‌های مورد استفاده است. برای تجزیه و تحلیل اطلاعات، از دو روش آمار توصیفی و تحلیلی استفاده شد. در بخش توصیفی، برای ارائه اطلاعات حاصل از دسته‌بندی گروه‌های آزمودنی از نظر صفات مختلف و توصیف ویژگی‌های جامعه آماری، از آماره‌هایی نظیر میانگین، درصد، فراوانی، انحراف معیار و میانگین رتبه‌ای استفاده شد. در بخش تحلیلی به منظور تعیین روابط بین متغیرها از ضرایب همبستگی اسپیرمن، پیرسون، و به منظور مقایسه بین میانگین نظر پاسخگویان از آزمون t و تجزیه واریانس یک‌طرفه استفاده شد.



شکل ۱. نقشه موقعیت جغرافیایی منطقه مورد مطالعه

## یافته‌های تحقیق

### ویژگی‌های فردی دهیاران

نتایج تحلیل داده‌های مربوط به خصوصیات فردی دهیاران مورد مطالعه حاکی از آن است که میانگین سن دهیاران مورد مطالعه ۴۰/۲۰ سال است که جوان‌ترین دهیار ۱۹ سال و مسن‌ترین آنها ۵۵ سال سن داشته‌اند. بیش از ۹۵ درصد پاسخگویان مرد و بیش از ۷۰ درصدشان متأهل بودند. براساس نتایج مذکور میانگین تحصیلی پاسخگویان ۱۲/۱ سال و در حدود دیپلم است. براساس مصوبات جدید، برای روستاهای دارای تحصیلات زیر دیپلم باید دهیاری با مدرک

حداقل دیپلم و یا بالاتر انتخاب و جایگزین شود. به همین دلیل سطح تحصیلات دهیاران در حال افزایش می‌باشد.

میانگین سطح درآمد دهیاران مورد مطالعه حدود ۴۵ هزار تومان برآورد شد که کمترین آن ۲۵۰ هزار و بیشترین آن حدود ۱۸۰۰ هزار تومان اعلام شد. همچنین میانگین ساعت شرکت دهیاران در دوره‌های آموزشی که دفتر امور روستایی استانداری قزوین سالانه در سرفصل‌های ابلاغی وزارت کشور برگزار می‌کند، ۷/۲ ساعت بود که به دلیل تغییر و تحولات دهیاران و یا عدم هماهنگی‌های لازم، ۳۵/۲۰ درصد از دهیاران در سال مالی گذشته (۱۳۸۸) موفق به حضور در دوره‌های آموزشی مذکور نشدند.

نتایج تحقیق در خصوص سطح تحصیلات پدران و مادران دهیاران مورد مطالعه نیز حاکی از آن است که بیش از ۶۷ درصد پدران و ۸۴ درصد مادران آنها دارای سواد قرآنی و یا بی‌سواد هستند. همچنین بررسی‌ها نشان داد که شغل بیش از ۵۵ درصد پدران دهیاران کشاورزی است و بعد از آن شغل‌های کارگری، شغل آزاد، کارمندی و فرهنگی به ترتیب بیشترین فراوانی را به خود اختصاص می‌دهند.

### مهارت‌های کارآفرینی

مهارت کارآفرینی سازه‌ای متشکل از مفاهیم متعددی است که در این تحقیق به منظور پاسخ به پرسش پژوهشی اول، با استفاده از ۲۹ گویه در قالب طیف ۵ درجه‌ای لیکرت (۱ برای مهارت ضعیف تا ۵ برای مهارت خیلی قوی) و در سه بعد مهارت‌های شخصی، مدیریتی و فنی مورد سنجش قرار گرفت و از جمع ترکیبی مفاهیم مذکور، مهارت‌های کارآفرینی دهیاران مورد مطالعه، محاسبه شد که نتایج در جدول ۳ درج شده است. براساس نتایج مندرج در جدول ۳ میانگین مهارت‌های کارآفرینی دهیاران مورد مطالعه ۳/۲۴۶ (متوسط به بالا) و میانگین مهارت‌های فنی، شخصی و مدیریتی به ترتیب ۳/۳۲۶، ۳/۱۱۳ و ۳/۲۹۹ است، که در مجموع می‌توان نتیجه‌گرفت میانگین مهارت‌های سه‌گانه و مهارت کل کارآفرینی دهیاران مورد مطالعه در حد متوسط قرار دارد.

جدول ۳. مشخصه‌های توصیفی مهارت‌های کارآفرینی دهیاران مورد مطالعه

مهارت‌های کارآفرینی (شاخص کل)	مهارت‌های مدیریتی (۱۰ گویه)	مهارت‌های شخصی (۹ گویه)	مهارت‌های فنی (۱۰ گویه)	مؤلفه		توزیع فراوانی
				فراوانی	خیلی ضعیف	
۲۴	۲۵	۳۱	۱۸	فراوانی	خیلی ضعیف	
۱۹/۲	۲۰	۲۴/۸	۱۴/۴	درصد		
۲۸	۲۹	۳۲	۲۴	فراوانی	ضعیف	
۲۲/۴	۲۲/۲	۲۵/۶	۱۹/۲	درصد		
۳۸	۳۵	۳۱	۴۱	فراوانی	متوسط	
۳۰/۴	۲۸	۲۴/۸	۳۲/۸	درصد		
۲۱	۲۳	۱۹	۲۷	فراوانی	قوی	
۱۶/۸	۱۸/۴	۱۵/۲	۲۱/۶	درصد		
۱۴	۱۳	۱۲	۱۵	فراوانی	خیلی قوی	
۱۱/۲	۱۰/۴	۹/۶	۱۲	درصد		
۱۲۵	۱۲۵	۱۲۵	۱۲۵	فراوانی	جمع کل	
۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	درصد		
۳/۱۱۳	۳/۳۲۶	۳/۱۱۳	۳/۳۲۶	میانگین		
۰/۳۵۸	۰/۳۲۵	۰/۳۵۸	۰/۳۲۵	انحراف معیار		

منبع: یافته‌های تحقیق

همچنین به منظور ارزیابی تعادل و توازن بین مهارت‌های سه‌گانه کارآفرینی از آزمون تجزیه واریانس یک‌طرفه استفاده شد که نتایج در جدول ۴ درج شده است. بر این اساس مقدار ضریب F محاسبه شده ۸/۶۹۷ است، که در سطح ۹۵ درصد معنادار است. لذا به منظور مقایسه میانگین‌ها، از آزمون دانکن استفاده شد که نتایج آن در جدول ۴ درج شده است. بر این اساس می‌توان گفت سطح مهارت‌های شخصی دهیاران از نظر آماری به طور معناداری کمتر از مهارت‌های فنی و مدیریتی آنها قرار دارد.

جدول ۴. نتایج آزمون تجزیه واریانس یک‌طرفه برای بررسی مقایسه میانگین

بین مهارت‌های سه‌گانه کارآفرینی

سطح معناداری	F	میانگین مربعات	درجه آزادی	مجموع مربعات	
۰/۰۰۰	۸/۶۹۷	۱/۶۷۹	۲	۳/۳۵۷	بین گروه‌ها
		۰/۱۹۳	۳۷۲	۷۱/۸۰۲	درون گروه‌ها
			۳۷۴	۷۵/۱۵۹	کل

منبع: یافته‌های تحقیق

جدول ۵. نتایج مقایسه میانگین مهارت‌های سه‌گانه با استفاده از آزمون‌های دانکن

گروه ۲	گروه ۱	گروه‌ها	مؤلفه
	۳/۱۱۳		مهارت‌های شخصی
۳/۲۹۹			مهارت‌های مدیریتی
۳/۳۲۶			مهارت‌های فنی

منبع: یافته‌های تحقیق

### عملکرد دهیاری‌ها

عملکرد دهیاری‌های مورد مطالعه در خصوص پرسش پژوهشی دوم و با استفاده از ۴۵ شاخص اندازه‌گیری شد که نتایج آن در جدول ۶ درج شده است. بر این اساس میانگین عملکرد دهیاری‌های مورد مطالعه ۵۳/۰۶ درصد است. همچنین نتایج توزیع فراوانی عملکرد دهیاری‌ها نیز حاکی از آن است که ۱۶ درصد دهیاری‌ها دارای عملکرد ضعیف، ۴۸ درصد دارای عملکرد متوسط، ۳۴/۴۰ درصد دارای عملکرد قوی و بالاخره تنها ۱/۶۰ درصد دارای عملکرد خیلی قوی هستند.



جدول ۶. وضعیت عملکرد دهیاری‌های مورد مطالعه

درصد تراکمی	درصد	فراوانی	سطح عملکرد
	۰	۰	خیلی ضعیف (۲۰ تا ۰)
۱۶/۰۰	۱۶/۰۰	۲۰	ضعیف (۴۰ تا ۲۰)
۶۴/۰۰	۴۸/۰۰	۶۰	متوسط (۶۰ تا ۴۰)
۹۸/۴۰	۳۴/۴۰	۴۳	قوی (۸۰ تا ۶۰)
۱۰۰	۱/۶۰	۲	خیلی قوی (۱۰۰ تا ۸۰)
	۱۰۰	۱۲۵	جمع کل

میانگین = ۵۴/۰۶

#### روابط بین متغیرهای مستقل تحقیق با مهارت‌های کارآفرینی دهیاران

در این تحقیق به منظور بررسی ارتباط بین پتانسیل کارآفرینی و متغیرهای فردی کارآفرین از تحلیل‌های همبستگی اسپیرمن و پیرسون استفاده شد که نتایج در جدول ۷ درج شده است. بر این اساس ارتباط مثبت و معناداری بین عملکرد دهیاری‌ها و مهارت‌های کارآفرینی دهیاران مشاهده شد.

همچنین بین سطح تحصیلات، میزان مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی، شرکت در دوره‌های آموزشی، درآمد کارآفرین و خانواده او و میزان تعامل با نهادها و سازمان‌های مرتبط ارتباط مثبت و معناداری در سطوح اطمینان ۹۹ و ۹۵ درصد مشاهده شد.

جدول ۷. نتایج تحلیل همبستگی بین مهارت‌های کارآفرینی با عملکرد دهیاری‌ها و

خصوصیات فردی و خانواده کارآفرین

سطح معناداری	ضریب همبستگی	آزمون	مقیاس متغیر	نام متغیر
۰/۰۰**	۰/۵۴	پیرسون	فاصله‌ای	عملکرد دهیاری
۰/۰۰ <sup>ns</sup>	۰/۱۴	پیرسون	نسبی	سن کارآفرین
۰/۰۰**	۰/۳۹	پیرسون	نسبی	تحصیلات
۰/۰۰**	۰/۴۲	اسپیرمن	ترتیبی	مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی
۰/۰۱*	۰/۳۰	اسپیرمن	ترتیبی	شرکت در دوره‌های آموزشی
۰/۱۸ <sup>ns</sup>	۰/۱۵	پیرسون	نسبی	تجربه دهیاری
۰/۰۰**	۰/۴۹	پیرسون	نسبی	درآمد کارآفرین
۰/۰۰*	۰/۳۴	پیرسون	نسبی	درآمد خانواده
۰/۰۰ <sup>ns</sup>	۰/۱۲	پیرسون	نسبی	تحصیلات پدر
۰/۵۶ <sup>ns</sup>	۰/۰۷	پیرسون	نسبی	تحصیلات مادر
۰/۳۰ <sup>ns</sup>	۰/۲۵	پیرسون	نسبی	میانگین تحصیلات خانواده
۰/۳۰*	۰/۲۵	اسپیرمن	ترتیبی	میزان تعامل با نهادها و سازمان‌های مرتبط

ns، \*، \*\* به ترتیب بی‌معنی، معنادار در سطح ۹۵ و ۹۹ درصد

همچنین به منظور ارزیابی نقش متغیرهای جنسیت، تأهل و شغل والدین که دارای مقیاس اسمی هستند، از آزمون‌های t و F استفاده شد. برای متغیرهای جنسیت و تأهل که دوحالتی هستند از آزمون t و برای متغیرهای شغل والدین که چند حالتی هستند، از آزمون تجزیه واریانس یک‌طرفه استفاده شد. نتایج تحقیق در مورد چهار متغیر مذکور که در جداول ۸ و ۹ و ۱۰ درج شده است، حاکی از عدم تأثیر متغیرهای تأهل، جنسیت، شغل پدر و شغل مادر دهیاران مورد مطالعه بر مهارت‌های کارآفرینی آنهاست.

جدول ۸. نتایج آزمون t مستقل برای مقایسه میانگین مهارت‌های کارآفرینی دهیاران

در متغیرهای تأهل و جنسیت

متغیر	نتایج آزمون t				نتایج آزمون لون			
	خطای استاندارد میانگین	تفاوت میانگین‌ها	سطح معناداری	درجه آزادی	مقدار t	سطح معناداری	F	فرض
تأهل	۰/۱۶۷۲۹	۰/۱۳۸۱۹	۰/۴۴۴	۵/۳۲۵	۰/۸۲۶	۰/۶۸۲	۰/۱۶۸	نابرابری واریانس‌ها
جنسیت	۰/۱۲۰۳۷	-۰/۱۹۳۳۳	۰/۴۳۴	۱۲۳	-۰/۷۸۶	۰/۰۲۹	۴/۸۵۶	برابری واریانس‌ها

منبع: یافته‌های تحقیق

جدول ۹. نتایج آزمون تجزیه واریانس یک‌طرفه برای بررسی مقایسه میانگین مهارت‌های

کارآفرینی دهیاران در متغیر شغل پدر

سطح معناداری	F	میانگین مربعات	درجه آزادی	مجموع مربعات	
۰/۰۸۸	۲/۰۸۱	۰/۲۱۳	۴	۰/۸۵۱	بین گروه‌ها
		۰/۱۰۲	۱۲۰	۱۲/۲۶۹	درون گروه‌ها
			۱۲۴	۱۳/۱۲۰	کل

منبع: یافته‌های تحقیق

جدول ۱۰. نتایج آزمون تجزیه واریانس یک‌طرفه برای بررسی مقایسه میانگین مهارت‌های

کارآفرینی دهیاران در متغیر شغل مادر

سطح معناداری	F	میانگین مربعات	درجه آزادی	مجموع مربعات	
۰/۰۵۹	۳/۶۴۵	۱/۳۷۰	۲	۰/۷۴۰	بین گروه‌ها
		۰/۱۰۱	۱۲۲	۱۲/۳۸۰	درون گروه‌ها
			۱۲۴	۱۳/۱۲۰	کل

منبع: یافته‌های تحقیق

## بحث و نتیجه‌گیری

بررسی تحولات اشتغال و نیروی انسانی روستا طی دهه‌های اخیر حاکی از مهاجرت بی‌رویه نیروی کار جوان به شهرها به دلیل فقدان فرصت شغلی مناسب و سطح پایین درآمد شغل‌های موجود است و غفلت از این امر مهم می‌تواند به تخلیه نیروی کار مولد و جوان از روستا از یک‌طرف و افزایش مشکلات حاشیه‌نشینی و گسترش شغل‌های کاذب در شهرها بینجامد. در این راستا دهیاران به عنوان مدیران روستایی با اتکا به جایگاه قانونی و اختیارات گسترده و منابع اعتباری پیش‌بینی شده می‌توانند به عنوان کارآفرینان روستایی، منشأ ایجاد کسب‌وکارهای جدید و ترمیم و ارتقای سطح درآمدهای روستاییان شوند. اما موفقیت و عملیاتی شدن چنین طرحی مستلزم شناسایی کارآفرینان بالقوه و دارای ظرفیت مناسب و بهره‌برداری از این پتانسیل در جایگاه و سمت دهیار است.

مقاله حاضر با هدف سنجش مهارت‌های کارآفرینی دهیاران استان قزوین و شناسایی ارتباط بین مهارت‌های کارآفرینی دهیاران مورد مطالعه با عملکرد دهیاری‌ها و خصوصیات فردی دهیاران به اجرا درآمد.

نتایج تحقیق نشان داد که مهارت کارآفرینی دهیاران مورد مطالعه در حد متوسط (۳/۲۴) است. همچنین نتیجه تحقیق در مورد پرسش پژوهشی دوم حاکی از آن است که بین مهارت‌های کارآفرینی و عملکرد دهیاری‌ها، رابطه مثبت و معناداری وجود دارد و بالاخره نتایج تحقیق در مورد پرسش پژوهشی سوم نیز نشان داد که ارتباط مثبت و معناداری بین سطح تحصیلات، میزان مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی، شرکت در دوره‌های آموزشی دهیاران، درآمد کارآفرین و خانواده او و نیز میزان تعامل با نهادها و سازمان‌های مربوطه با متغیر وابسته تحقیق وجود دارد. به عبارت دیگر براساس نتایج تحقیق می‌توان گفت افراد دارای تحصیلات بیشتر که در دوره‌های آموزشی تخصصی حضور می‌یابند و تعامل مناسبی نیز با دستگاه‌های اجرایی مرتبط برقرار می‌کنند، شانس بیشتری برای به دست آوردن فرصت‌های اقتصادی و اجتماعی و در نتیجه بروز مهارت‌های کارآفرینی خود پیدا می‌کنند. همچنین بنیه مالی فرد کارآفرین و خانواده او، به نوعی روحیه ریسک‌پذیری او را در ایجاد کسب‌وکارهای جدید افزایش می‌دهد.

از سوی دیگر بین تجربه تصدی مسئولیت دهیاری و جنسیت او ارتباط معناداری با پتانسیل کارآفرینی وجود ندارد. به عبارت دیگر دهیاران زن و مرد پتانسیل یکسانی برای توسعه کسب‌وکارهای جدید دارند و هیچ‌گونه برتری جنسیتی در این خصوص حاکم نیست. همچنین عدم ارتباط معنادار بین تجربه دهیاری و پتانسیل کارآفرینی اگرچه از جنبه نظری تأمل‌برانگیز است اما با توجه به عمر کوتاه و حداکثر ۵ ساله دهیاری، امنیت شغلی پایین دهیاری و پاره‌وقت بودن بیشتر دهیاران منطقه مورد مطالعه و در نتیجه کاهش انگیزه برای پیگیری مستمر امور دهیاری، تا حدودی توجیه دارد.

یکی دیگر از نتایج جالب و غیر منتظره تحقیق، فقدان ارتباط بین مهارت‌های کارآفرینی با متغیر سن دهیاران است. به لحاظ نظری این انتظار وجود دارد که در افراد مسن‌تر به دلیل تجربه زندگی بیشتر، مهارت کارآفرینی بیشتری وجود داشته باشد، اما بررسی‌ها و مصاحبه‌های صورت‌گرفته حاکی از آن بود که دهیاران مسن‌تر معمولاً سطح سواد پایین‌تر و آگاهی‌های کمتری در خصوص فرصت‌های موجود داشتند. به همین دلیل در منطقه مورد مطالعه افزایش سن نمی‌تواند عامل مؤثری در ارتقای مهارت کارآفرینی باشد.

با توجه به نتایج تحقیق، مهارت‌های کارآفرینی در دهیاران مورد مطالعه سطح پایینی داشته و لازم است به منظور ارتقای روحیه کارآفرینی و در نتیجه تنوع‌بخشی به فعالیت‌های اقتصادی و تقویت بنیه اقتصادی روستاییان، اقدامات مؤثری در جهت شناسایی و به‌کارگیری افراد کارآفرین به سمت دهیاری و نیز افزایش توانمندی و پتانسیل کارآفرینی دهیاران موجود اعمال گردد. در این زمینه پیشنهادهایی ارائه می‌گردد:

- ۱- در انتخاب دهیاران علاوه بر توجه به روحیات افراد، به سطح تحصیلات، تجربه و مهارت‌های آنان و میزان مشارکت‌ها در فعالیت‌ها و نهادهای اجتماعی توجه بیشتری شود.
- ۲- با توجه به اینکه بین جنسیت دهیاران با پتانسیل کارآفرینی ارتباط معناداری مشاهده نشد، در شناسایی و جذب افراد واجد شرایط برای سمت دهیاری نباید به جنسیت افراد توجه شود. به عبارت دیگر دهیاران زن و مرد پتانسیل یکسانی برای توسعه کسب‌وکارهای جدید دارند و هیچ‌گونه برتری جنسیتی در این خصوص وجود ندارد.

۳- توصیه می‌شود در کنار سرفصل‌های دوره‌های آموزشی موجود دهیاران که بیشتر بر مقررات مالی، عمرانی و خدماتی دهیاری‌های متمرکزند، سرفصل جدیدی با محوریت تقویت مهارت‌های کارآفرینی نیز تدوین و دوره‌های آموزشی آن برگزار شود.

۴- به منظور ایجاد روحیه رقابت و آموزش عملی مهارت‌های کارآفرینی، بازدیدهای میدانی از فعالیت‌های کارآفرینان موفق برگزار شود.

۵- دستورالعمل‌های ارزیابی عملکرد دهیاری‌ها و برگزاری جشنواره طرح‌های برگزیده که از سوی استانداری و وزارت کشور ابلاغ می‌شود با محوریت تشویق و ارتقای مهارت‌های کارآفرینی دهیاران بازبینی و اصلاح شوند.

## منابع

آراستی، زهرا، مهسان بهنود، شهرزاد روحانی و بابک لطفعلی، ۱۳۸۶، تجزیه و تحلیل عوامل مؤثر فرایند راه‌اندازی کسب‌وکارهای کارآفرینانه توسط زنان تحصیل‌کرده ایرانی.

استانداری قزوین، ۱۳۸۹، گزارش عملکرد دفتر امور روستایی استان قزوین، انتشارات استانداری، قزوین.

الیاسی، قنبر، ۱۳۸۴، سبک کارآفرینی، ظرفیت محیط و عملکرد سازمان‌ها، فرهنگ مدیریت، ۱۳۸۴، شماره ۱۱، صص. ۱۴۲-۱۰۵.

برکر، ج ویل آرتور، ۱۳۸۰، هنر کشف آینده، ترجمه: نغمه خادم‌باشی، انستیتو ایزایران، تهران.

بهشتی، محمدباقر؛ خیرآور محمدحسن و قزوینیان محمدحسن، ۱۳۸۸، بررسی رابطه علی بین کارآفرینی و بیکاری در بخش صنعت ایران (۱۳۸۵-۱۳۶۴)، فصلنامه فراسوی مدیریت، شماره ۱۱، صص. ۱۸۳-۱۵۷.

پورداریانی، احمد و سیدمحمد مقیمی، ۱۳۸۵، مبانی کارآفرینی، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.

پورداریانی، احمد، ۱۳۸۲، کارآفرینی تعاریف، نظریات، الگوها، انتشارات امیرکبیر، تهران.

پورداریانی، احمد؛ محمود عزیزی، محمد، ۱۳۸۳، کارآفرینی، انتشارات محراب قلم، تهران.

- پیرنیا، احمد، ۱۳۸۲، **مدیریت برنامه‌ریزی سیستم‌های استراتژیک**، انتشارات ایزایران، تهران.
- جلودار، فلاح و فرج‌اله حسینی سیدجمال، حسینی سیدمحمود، میردامادی سیدمهدی، ۱۳۸۶، **عوامل مؤثر بر موفقیت کارآفرینی زنان روستایی**، روستا و توسعه، شماره ۱۰، صص. ۸۷-۱۱۵.
- حسینی، سیدمحمود و عزیزی بهارک، ۱۳۸۶، **بررسی عوامل مؤثر در توسعه روحیه و مهارت‌های کارآفرینی در میان دانشجویان سال آخر دانشکده کشاورزی دانشگاه تهران**، مجله علوم کشاورزی ایران، شماره ۳۸، صص. ۲۴۱-۲۵۱.
- رشیدی، داریوش، ۱۳۸۶، **بررسی نگرش جوانان روستایی ایران به کارآفرینی**، ارائه‌شده به نخستین همایش ملی مدیریت کارآفرینی.
- رضوانی، محمدرضا و محمد نجارزاده، ۱۳۸۷، **بررسی و تحلیل زمینه‌های کارآفرینی روستاییان در فرایند توسعه نواحی روستایی**، مطالعه موردی: دهستان برآن جنوبی (شهرستان اصفهان)، سال اول، شماره دوم، صص. ۱۶۱-۱۸۲.
- سهرابی‌فرد، نسرین و علی‌اکبر خسروی و حیدرعلی هومی، ۱۳۸۵، **رواسازی مقیاس سنجش کارآفرینی در مدیران دستگاه‌های دولتی**، فصلنامه روانشناسان ایرانی، سال دوم، شماره ۸، صص. ۲۶۷-۲۷۶.
- شاه‌حسینی، علی، ۱۳۸۳، **کارآفرینی**، آبیژ، تهران.
- شریف‌زاده، م. و زمانی، غ، ۱۳۸۵، **روحیه کارآفرینی در دانشجویان کشاورزی**، مجله علوم کشاورزی ایران، شماره ۳۷، صص. ۱-۱۰.
- صمد آقایی، جلیل، ۱۳۷۷، **از کارآفرینی تا جان‌آفرینی**، مجله تدبیر، شماره ۸۷، صص. ۵۹-۵۱.
- صمدی، پروین و هما شیرزادی، ۱۳۸۶، **بررسی رابطه جوّ سازمانی مدرسه با روحیه کارآفرینی در دانش‌آموزان**، فصلنامه نوآوری‌های آموزشی، شماره ۱۶، سال پنجم، صص. ۱۶۵-۱۸۷.
- ظهیری، منصور و سوگند تورانی، ۱۳۸۷، **ارائه الگوی راه‌اندازی مراکز کارآفرینی در دانشگاه‌های علوم پزشکی**، فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی، شماره ۴۷، صص. ۱۸-۱.

عبدالملکی، جمال؛ مجید یوسفی افراشته؛ مهرداد پیرمحمدی؛ مهدی سبکرو و نوشیروان محمدی، ۱۳۸۷، بررسی رابطه مهارت‌های کارآفرینی با کارآفرینی سازمانی (مطالعه موردی: مدیران میانی شرکت ایران خودرو)، توسعه کارآفرینی، سال اول، شماره دوم، صص. ۱۲۹-۱۰۳.

فلاح لاجیمی، حمیدرضا، ۱۳۸۶، بررسی تأثیر اعمال کارآفرینی بر عملکرد سازمانی و مزیت رقابتی، چهارمین کنفرانس بین‌المللی مدیریت فناوری اطلاعات و ارتباطات.

قاسمی، جواد و علی اسدی، ۱۳۸۹، تحلیل عاملی عوامل مؤثر در ایجاد روحیه کارآفرینی دانشجویان تحصیلات تکمیلی، مطالعه موردی: پردیس کشاورزی و منابع طبیعی دانشگاه تهران، نشریه اقتصاد و توسعه کشاورزی (علوم و صنایع کشاورزی)، شماره ۲۴، صص. ۲۲-۱۳.

قدیری معصوم مجتبی، مهدوی حاجیلویی مسعود و برقی حمید، ۱۳۸۴، بررسی آماری روند رشد و تحولات اشتغال در نواحی روستایی استان اصفهان، پژوهش‌های جغرافیایی زمستان ۱۳۸۴، شماره ۳۷، صص. ۱۷۵-۱۵۳.

کلانتری، صمد؛ رسول ربانی و جعفر هزار جریبی، ۱۳۸۳، بررسی میزان کارآفرینی دانش‌آموختگان در عرصه نشریات و مطبوعات، نامه علوم اجتماعی، شماره ۲۳، صص. ۱۸۹-۱۷۱.

مرادنژادی، همایون و حسین شعبان‌علی فمی؛ هوشنگ ایروانی؛ سیدمحمود حسینی و محسن کافی، ۱۳۸۶، تحلیل موانع توسعه کارآفرینی در واحدهای تولیدی گلخانه‌ای در ایران، علوم کشاورزی ایران، شماره ۲، ۱۳۸۶، ۲۰.

مرسلی، ا، ۱۳۸۵، بررسی نابرابری اشتغال شهری - روستایی استان آذربایجان غربی در فاصله سال‌های ۷۵-۱۳۴۵، فصلنامه روستا و توسعه، سال نهم، شماره ۲، صص. ۱۰۳-۷۷.

معاونت امور دهیاری‌ها، ۱۳۸۸، گزارش عملکرد معاونت امور دهیاری‌ها در سال ۱۳۸۷، سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور، تهران.

مقیم، سیدمحمد؛ مریم روستا و محمدمهدی حیدری، ۱۳۸۶، بررسی ارتباط میان کارآفرینی اجتماعی و اثربخشی عملکرد در سازمانهای غیردولتی زنان، مجله مطالعات زنان شماره ۲، صص. ۳۲-۷.



مهرعلی‌زاده، یداله و سیدحسین سجادی، ۱۳۸۸، شناسایی عوامل مرتبط با میزان موفقیت کارآفرینان شرکت‌های کوچک صنعتی، دانشور رفتار، شماره ۳۵، صص. ۴۳-۵۸.

موحدی، رضا؛ احمد یعقوبی؛ مجیدرضا خداوردیان و شیما زارعی، ۱۳۸۹، بررسی روحیه کارآفرینی دانشجویان کشاورزی و شیوه‌های بهبود آموزش کارآفرینی، پژوهش‌های ترویج و آموزش کشاورزی، شماره ۳، صص. ۶۵-۸۱.

ناظم، فتاح، ۱۳۸۶، کارآفرینی مدیران دانشگاه آزاد اسلامی، فصلنامه روانشناسان ایرانی، سال چهارم، شماره ۱۴، صص. ۱۳۵-۱۲۵.

ناظم، فتاح، ۱۳۸۶، کارآفرینی مدیران و مؤلفه‌های آن در مناطق مختلف دانشگاه آزاد اسلامی، فصلنامه اندیشه‌های تازه در علوم تربیتی، شماره دوم، صص. ۱۱-۳۴.

ناهدید، مجتبی، ۱۳۸۸، چيستی و چرایی کارآفرینی و کارآفرینی سازمانی در یک نگاه، بررسی‌های بازرگانی، شماره ۳۴، صص. ۳۹-۵۸.

نظری، مریم، ۱۳۸۲، از صفر تا بی‌نهایت، راه کارآفرینان، شماره ۲.

هرندی، فاطمه؛ فلاح محسن و زهره خانی، ۱۳۸۶، اشتغال جوانان و چالش‌های آن، رفاه اجتماعی، شماره ۲۵، صص. ۱۴۶-۱۳۳.

هیستریچ، رابرت دی، پیترز، مایکل پی، ۱۳۸۳، کارآفرینی، جلد اول، ترجمه: سید علیرضا فیض‌بخش و حمیدرضا تقی‌یاری، انتشارات علمی دانشگاه صنعتی شریف، تهران.

هیگینز، جی‌فرام، ۱۳۸۱، کارآفرینی، ۱۰۱ تکنیک حل خلاق مسئله، ترجمه: محمود احمد پورداریانی، انتشارات امیرکبیر، تهران.

یارابی، ع، ۱۳۸۳، بررسی برخی روحیات کارآفرینی در بین دانشجویان دانشگاه شیراز، پایان‌نامه کارشناسی ارشد مدیریت صنعتی، دانشگاه شیراز.

یدالهی فارسی، جهانگیر، ۱۳۸۳، نقش انتخاب تکنولوژی در موفقیت کارآفرینان، راه کارآفرینان، ویژه‌نامه اولین جشنواره.